# مَثَل نور؛ مَثَل ظلمت

در ادامۀ مَثَل نور، خدای متعال مَثَل ظلمت می زند، دنبالۀ همین آیه است:

> وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ* أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا ۗ وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ[1]
>
> « الذینَ کَفَرُوا أعمالَهُم کَسَرابٍ بِقیعَةٍ یَحسَبُهُ الظَمآنُ ماءً»

خدای متعال دو مثال می زند می فرماید: این کسانی که راه انبیاء را نرفتند از انبیاء فاصله گرفتند، این کوچه و جاده را کج کردند اعمالی که انجام می دهند مثل ِسراب می ماند سراب چه جوری است؟

در بیابان از دور می بینید که آب دارد موج می زند وقتی به آن می رسی می بینی پوچ است، از دور یک نمایی دارد «**حتّی إذا جاءَهُ لم یَجِدهُ شَیئاً وَوَجَدَ اللّهَ عِندَهُ فَوَفّاهُ حِسابَهُ**» این مثال اوّل است که بحث ما نیست. مثال دوّم که مربوط به چیزی است که می خواهم عرض کنم: « **أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ**» خیلی عجیب است یک مثال دیگر در مقابل مَثَل نور، مَثَل اینهایی که راه انبیاء را نرفتند مَثَل ظلمات است،

عین همان سؤالی که در آن آیۀ شریفه عرض کردم، اینجا هم هست که می شد بفرمایید: آن کافر مَثَلشان مَثَل لیل ِمُظلِم است، شب ِبسیار تاریک، ولی خدا می فرماید: نه، من مقصودی دارم از این مَثَل، مقصود ِمن از این مَثَل باید چند چیز باشد: « **أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ**» یک اقیانوس در نظر بگیرید خودش تاریک « **يَغْشَاهُ مَوْجٌ**» روی آن موجی می آید و بر تاریکی درون آن می افزاید« **مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ**» دوباره موج دیگری می آید تاریکی را اضافه می کند «**مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ**» تازه وقتی از این موج بالا بروید خورشید نیست بلکه ابر غلیظی گرفته «**ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ**» ظلمت ِروی ظلمت.

# ظلمت های به هم بافته

آیا مثال زدن به شب تاریک بس نبود؟ نه، مقصود خدای متعال در تأویل این آیۀ شریفه که اهل البیت - علیهم السلام - فرموده اند، مقصود ظلمت های به هم بافته است؛ چندچیز دست به دست هم می دهد این ها را درست می کند، لذا حضرت فرمودند: هر کدام از کلمات ِاین آیه برای مراتبی است که حقّ ِهدایت را، حقّ ِمام اهل بیت را که خدای متعال، مام را مَثَل خودش قرار داده اینها غصب کردند، در

روایت تک تک اینها را امام منطبق کرده اند بر غاصبین، ظلمت پشت ظلمت.

بیست و پنج سال خون دل خوردن شوخی است؟ آیات شریفه طوری حرف می زند که وقتی می خواهد در یک مَثَل، ظلمات را توضیح بدهد یک ظلمت نمی گوید،

## «لم یکد یراها» ؛ «یکاد زیتها یضیء»

می گوید: چند تا دست به دست هم می دهند ظلمات درست می کنند، آن وقت است که می شود یک تاریکی که «**إِذا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَراها**» می رسد به جایی که اگر دستش را بیاورد جلوی صورتش، دست خودش را هم نمی بیند.

در آیه نور فرمود «**يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ**» او اینجوری نور می دهد اینجا هم فرمود:« **إِذا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَراها**» دوتا «**یَکادُ**» فرموده، ببینید چقدر تفاوت است؟

## «و القمر اذا تلاها»

چه شد اینجا عدّه ای با هم مَثَل نور الهی را محقّق کردند، آنجا هم عدّه ای با هم مَثَل ظلمات را فراهم کردند. همیشه این سؤال در ذهن من می آمد که در سوره مبارکه شمس فرمود:**وَالشَّمْسِ وَضُحَيٰهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَيٰهَا**[2]» می فرماید: قسم به خورشید و تابندگی اش و قسم به ماه وقتی پشت سر خورشید می آید، آیا همیشه ماه پشت سر شمس می آید؟ چقدر می شود که اوّل ماه طلوع می کند بعد خورشید می آید، چرا آیه می فرماید: «**وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَيٰهَا**»؟ مانعی ندارد خیلی وقت ها ماه بعد از خورشید می آید، ظاهر آیه شریفه مشکلی ندارد، امّا قرآن کریم طوری حرف می زند می گوید: به من د بدهید می خواهم چیزی دیگری هم به شما بگویم؛ چه کسی آن چیزی را مبیّن می کند؟ امام معصوم.

اگر امام نفرمایند که ما نمی فهمیم چه می خواهند بگویند. امام فرمودند: باطن این آیه این است که خدای متعال می فرماید: پیامبر من، شمس است «**وَالشَّمْسِ وَضُحَيٰهَا**»، پیامبر من می آید با چه خون دلی، بیست و سه سال اسلام نشر پیدا می کند «**ضُحَيٰهَا**»، بعد از حضرتش وصیّ و خلیفه او بالفصل «**إذا تلیٰها**»، فرمودند:

> **قال: أخبرني أبي عن سليمان الديلمي عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال سألته عن قول الله عز و جل و الشمس و ضحاها، قال: الشمس رسول الله ص أوضح الله به للناس دينهم قلت: و القمر إذا تلاها قال ذلك أمير المؤمنين ع قلت: و الليل إذا يغشاها قال: ذلك أئمة الجور الذين استبدوا للأمر- دون آل رسول الله ص و جلسوا مجلسا كان آل رسول الله ص أولى به منهم، فغشوا دين رسول الله ص بالظلم و الجور- و هو قوله: و الليل إذا يغشاها، قال: يغشى ظلمهم ضوء النهار، قلت: و النهار إذا جلاها قال: ذلك الإمام من ذرية فاطمة ع يسأل عن دين رسول الله فيجلي لمن يسأله، فحكى الله قوله: و النهار إذا جلاها**

## [3]

«**الشّمس رسول الله، وَالقَمَر امیرالمؤمنین**» خب حالا قرار گرفتیم، معلوم است که «**والقَمَر إذا تَلیها**» ماه پشت خورشید می آید. شاهد بعدی این که:«**وَالنّهار إذا جَلّیها وَاللّیل إذا یَغشاها**» نهار چه موقع بود؟ فرمودند: وقتی بود که حرف به راحتی زده می شد، هدایت رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم- علنی بود، منافقین هم دهانهایشان بسته بود.

امّا بعدش چه شد؟ «**وَاللّیل إذا یَغشاها**»، شب تاریکی می آید، بعد از آن روز که دیگر ظلمات است چقدر مناسب است، در زیارت آل یاسین هم هست که لیل، غاشی می شود (**السّلام عَلیکَ یا لَیلاً إذا یَغشی**[4]) این ها بطون آیات شریفه است.

---

[1] سوره النور، آیه ۳۹-۴۰

[2] سوره الشمس، آیه ۱ و ۲

[3] تفسير القمي ؛ ج2 ؛ ص۴۲۴

11663- و عنه: عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن حماد، بإسناده إلى مجاهد، عن ابن عباس، في قول الله عز و جل: و الشمس و ضحاها، قال: هو النبي (صلى الله عليه و آله) و القمر إذا تلاها، قال: علي بن أبي طالب (عليه السلام) و النهار إذا جلاها، [قال]: الحسن و الحسين (عليهما السلام) و الليل إذا يغشاها بنو أمية.( البرهان في تفسير القرآن ؛ ج5 ؛ ص۶۷۱)

[4] الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج2، ص: 493 و المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص: ۵۷۰

---

بازبینی #1
ایجاد شده 3 آوریل 2025 15:33:43 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 آوریل 2025 15:50:08 توسط ... .